

شهدخت رحیم پور^۱

چکیده

مدیریت فرهنگی فرش با تاکید بر سنت شفاهی گامی مهم در مستندسازی تاریخ فرش است. از آنجا که به تعداد بافندگان، رنگرزان و فعالان فرش راویان متعدد وجود دارد که یک یا دو روایت را شرح می‌دهند و برگرفته از تجربه و باورهای آنان است، این مهم در بازتاب مولفه‌های فرش دستباف به عنوان هنر بومی و معرفت هویت ایرانی در دنیای معاصر فراتر از یک کالای کاربردی دارای اهمیت است. این پژوهش با هدف معرفی، شناسایی کارکرد اجتماعی فرهنگی سنت شفاهی در فرش با رویکرد مدیریت فرهنگی صورت گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و روش این پژوهش نظری، توصیفی تحلیلی است. نتایج این پژوهش بر درک نگرش حاکم در توسعه دانش فرشبافی، بازخوانی اندیشه هنرمندان در توسعه بازار، معرفی فرش به عنوان یک کالای هنری و فرهنگی کارا است.

واژه‌های کلیدی: فرش، سنت شفاهی، مدیریت فرهنگی

همایش ملی فرش و نیازهای معاصر آبان ۹۷

مقدمه

سنت شفاهی همواره وسیله انتقال کلیه عناصر فرهنگی اعم از زبان، دین، هنر و اخلاق به صورت سینه به سینه و به وسیله نسل‌های متمادی بوده است (نورائی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۶). سنت شفاهی در زمینه هنر بومی دستبافته‌های ایران علاوه بر شیوه کار که به صورت سینه به سینه منتقل می‌شده است بخشی از روایت بومی مناطق فرشبافی است که در قالب فرهنگ عامه قرار می‌گیرد. بازخوانی سنت شفاهی فرش از افسانه‌ها تا باورهای رایج هر اقلیم را در تجربه فردی افراد شامل می‌شود.

این مسأله که دامنه فرشبافی از انتقال روش بافت، استفاده از نقشمایه‌های گوناگون و سنت‌های بافندگی بدون ثبت و ضبط بوده و با انتقال دانش از استاد به شاگرد تا به امروز ادامه یافته است، و با توجه به وضعیت فعلی سیر نزولی دستبافته‌ها و شکاف ایجاد شده متأثر از مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی در راستای انتقال سینه به سینه بخشی از دانش مرتبط با دستبافته‌ها که با پایان عمر نسلی که روایان هنر و آداب و رسوم و گذشته این هنر محسوب می‌شوند بخشی از دیرینگی و ماهیت فرهنگی این هنر به پایان می‌رسد بر آن شد در وضعیت فعلی دقت نظر به سنت شفاهی فرش زمینه‌ای برای دسترسی به بخشی از تاریخ ثبت نشده این هنر بومی باشد.

ضرورت این موضوع از این روست که پیوسته در دوره‌های متعدد سنت شفاهی و حاکمیت فرهنگ شفاهی بر تاریخ تأثیر مستقیم داشته و فرهنگ شفاهی فرش موجب توجه به سرگذشت و آگاهی از دانش و سنت‌های وابسته است. در واقع تاریخ بستر زمانی تمامی رویدادها، رسوم، سنن، دانش‌ها و آگاهی بشری، تا مدت‌ها دنباله‌رو سنت و فرهنگ شفاهی بوده است. با توجه به این امر در این پژوهش؛ در تشریح سنت شفاهی دستبافته‌های مناطق ایران پرسش‌های مطرح شده عبارتند از؛

۱. ماهیت و ویژگی‌های سنت شفاهی چیست؟

۳. تفاوت‌های سنت شفاهی با تاریخ شفاهی کدامند؟

۴. کارکرد سنت شفاهی در قالب مدیریت فرهنگی فرش چه نتایجی دارد؟

در این پژوهش نظری جمع‌آوری اطلاعات با مرور منابع مطالعاتی موجود در زمینه سنت شفاهی (روش کتابخانه‌ای) صورت گرفته است و با رویکرد تحلیلی- توصیفی به تشریح موضوع پرداخته شد.

پیشینه پژوهش

به تعدادی از پژوهش‌هایی که در زمینه تاریخ نگاری به بحث سنت شفاهی توجه داشته‌اند اشاره می‌شود. نورایی و همکاران (۱۳۹۱) به تفاوت‌های تاریخ شفاهی با سنت شفاهی پرداخته‌اند و اشاره دارند که سنن شفاهی در جوامع گوناگون شباهت‌هایی با یکدیگر دارند، عواملی چون گوناگونی نژاد، اختلاف مذاهب و جغرافیای طبیعی و انسانی تفاوت‌هایی اساسی در آنها ایجاد کرده است. ابوالحسنی ترقی (۱۳۹۰) به نقد و بررسی جایگاه تاریخ شفاهی در تاریخ معاصر ایران پرداخته است که اشاره ای نیز به سنت‌های شفاهی دارد. فرانتس روزنتال (۱۹۶۸) در *A History of Muslim Historiography* در سنت تاریخ نگاری جهان اسلام به کاربرد فرهنگ شفاهی پرداخته است. در مطالعات میدانی متعدد درباره فرش دستباف محققین از نظر مفهومی به سنت شفاهی در کنار تاریخ شفاهی در قالب بیان روایت‌های فرهنگی توجه داشته‌اند اما به طور مشخص در این زمینه تاکنون پژوهشی یافت نشد. این پژوهش به کارکرد سنت شفاهی در مدیریت فرهنگی فرش دقت نظر دارد.

تعاریف فرهنگ، هویت و مدیریت فرهنگی

فرهنگ در برگیرنده نظام‌های اقتصادی، ایدئولوژی‌های سیاسی، مؤسسات آموزشی، برنامه‌های اجتماعی، نظام‌های زیست‌محیطی، فعالیت‌های هنری و میراث فرهنگی، صنعت حمل‌ونقل و ارتباطات، و فعالیت‌های مذهبی و معنوی است (Culture, ۲۰۰۱, Program Statistics). فرهنگ به شیوهایی از زندگی اطلاق می‌شود که اعضای یک جامعه آن را فرا می‌گیرند و [بدان] عمل می‌کنند و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند (کونن، ۱۳۷۵: ۴۶). در واقع فرهنگ ابعاد شناختی چون ارزش‌ها، ابعاد سازمانی چون هنجارها و ابعاد مادی چون هنر، معماری و دیگر نمودهای تجسد یافته است. فرهنگ‌ها در قالب تلاش‌های معناجویانه انسان تجلی می‌یابند و با وجود همه «پراکنش‌های فرهنگی» همواره تمایزبخش ایدئولوژی‌های مختلف‌اند. بر اساس اکولوژی فرهنگی، که اصطلاحی وام گرفته از اکولوژی زیستی است، هر سیستم فرهنگی اجتماعی در محیط و یا زیستگاهی طبیعی و مختص به خود به سر می‌برد (ابوالحسن تنهایی، ۱۳۷۷: ۴۸۳).

هویت، مفهومی محوری و دارای منابعی ویژه در هر جامعه یا نظام فرهنگی است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱، ۲۳۹) فرایند معناسازی بر اساس اطلاعات در بررسی مسئله هویت در دنیای جدید، هویت را یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های فرهنگی به هم پیوسته تعریف می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۳۸۵).

مدیریت فرهنگی به معنای سازمان‌دهی و اداره امور و فعالیت‌های فرهنگی است. مدیریت فرهنگی نظیر هر نوع مدیریت سازمانی دیگری الزامات خاص خود را دارد. بنابراین در مدیریت فرهنگی تمامی وظایف سازمانی مدیریت (سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت، هماهنگی، نظارت و ارزیابی) در قلمرو امور و فعالیت‌های فرهنگی صورت می‌گیرد. مدیریت فرهنگی جهت

دستیابی به اهداف فرهنگی مورد نظر در سطوح مختلف، اعم از جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی باید از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فکری، بینشی و عملیاتی خاص برخوردار باشد (فراهانی ۱۳۸۹: ۲۴۲). بر مبنای تعریف مدیریت، ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت فرهنگی عبارتند از: برنامه‌ریزی فرهنگی، سازمان‌دهی فرهنگی، بسیج منابع و نیروهای فرهنگی، هدایت و رهبری فرهنگی، کنترل و نظارت فرهنگی (صالحی امیری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۹).

سنت شفاهی (Oral tradition) و تاریخ شفاهی (Oral history)

سنت روایت گذشته در قالب نقل واژه یا به عبارتی دیگر نقل از طریق زبان و به طور سینه به سینه است (نورائی، ۱۳۸۲: ۶۶). ایرانیان از طریق کلام و به‌طور شفاهی به شکل آوازا و خطابه‌ها، یادگارهای پهلوانان و اسطوره‌های خود را به آیندگان منتقل می‌کردند (جعفری دهقی، ۱۳۸۲: ۳). در ایران انتقال کلام منظوم همواره رسمی دیرپا در دل سنت شفاهی بود و در اعصار گذشته و سایر ملل نیز کلام دینی نیز به صورت سینه به سینه منتقل می‌شده است. برای مثال؛ تفکر و آیین زرتشت که از دوره‌های پیش‌تر وجود داشته است تنها در عصر ساسانی مکتوب می‌شود. در کهن‌ترین اثر هویتی و حماسی ایران توسط فردوسی روایات شفاهی نقش اصلی دارند. در واقع ساز و کار نقل اخبار از سنن، ارزش‌ها و قوانین فرآیند انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر را ممکن می‌نماید.

حاکمیت فرهنگ و سنت شفاهی و انتقال سینه به سینه روایت‌ها، داستان‌ها و افسانه‌ها از افراد کهنسال به جوانان در میان ملت‌های باستانی یا نقل تاریخ و خاطره گذشته به وسیله مردم را نخستین نمونه‌های تاریخ شفاهی محسوب کرده‌اند (حسن آبادی، ۱۳۸۵: ۲۴).

تاریخ شفاهی را باید روشی علمی، قانونمند و برخوردار از اصول نظری و عملی برای گردآوری شواهد و مدارک شفاهی دانست که پس از راستی‌آزمایی و تأیید و تکمیل یا تصحیح آن مدارک به وسیله منابع دیگر، به ویژه اسناد مکتوب، به تولید سند شفاهی یاری می‌رساند. این نوع سند می‌تواند در کنار سایر اسناد و منابع تاریخ‌نگاری مورد استفاده محقق تاریخ، جامعه‌شناس و حتی روان‌شناس قرار گیرد. همچنین تاریخ شفاهی می‌تواند به عنوان تکنیکی کارآمد به وسیله شاخه‌های مختلف علم مانند اقتصاد، پزشکی، کشاورزی، حقوق و غیره به کار رود (Thompson, ۱۹۸۸: ۷۲).

«دلیل اهمیت تاریخ شفاهی این است که در سطوح متعددی تازگی دارد. نه تنها نوع غیرمعمولی از شواهد را می‌شناساند، منابع مختلفی را نیز می‌گشاید، بخش‌های مختلف (و در غیر این صورت غالباً مخفی) حوزه تاریخی را دسترس‌پذیر می‌سازد و غالباً زوایای جدیدی از تفسیر را مطرح می‌کند. همانند بسیاری دیگر از ابداعات تاریخ‌نگاری، تاریخ شفاهی در نتیجه پیشرفت‌های فنی، به ویژه

میکروفن و ضبط صوت، اهمیت یافت. این وسایل بالنسبه برای پژوهشگر، مصاحبه با منبع خبر را میسر ساختند» (استنفورد، ۱۳۸۴: ۲۶۶).

"در نگاهی کلی می توان شاخصه‌ها و مؤلفه‌های سنت شفاهی و تاریخ شفاهی را این‌گونه برشمرد:

۱. سنت شفاهی قابلیت انتقال نه تنها تاریخ و سرگذشت، بلکه اجزایی از فرهنگ و بخش‌هایی از هنجارهای اجتماعی جامعه را از نسلی به نسل دیگر دارد.

۲. سنت شفاهی نوعی روایت توده‌ای از تاریخ عرضه می‌کند که با تاریخ علمی تفاوت دارد.

۳. در روایت توده‌ای از تاریخ میل به افسانه‌سازی و اسطوره‌پردازی نیز مشاهده می‌شود.

۴. در سنت شفاهی، کلام منظوم و آهنگین و نظم‌پردازی سخن کمکی به حافظه محسوب می‌شد؛ عاملی که موجب آفرینش اشعار قهرمانی، حماسه‌ها و داستان‌های توده‌ای می‌گردید.

۵. پیدایش روش تاریخ شفاهی به دوران مدرن بازمی‌گردد که با اختراع ضبط صوت‌های قابل حمل در اواسط قرن بیستم تحولی عمیق یافت.

۶. تاریخ شفاهی روشی علمی با استفاده از ساز و کار مصاحبه برای جمع‌آوری گفته‌ها و نکته‌های مغفول مانده در تاریخ مکتوب است.

۷. تاریخ شفاهی تنها به ثبت خاطراتی می‌پردازد که مصاحبه‌شونده شخصاً در طول زندگی خود تجربه کرده است" (نورائی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷ و ۴۸).

ماهیت سنت شفاهی فرش وابسته به دامنه فعالیت مردمی با حداقل امکانات و در بین مردم ساده زیست روستایی و عشایری است مجموعه‌ای از افسانه‌ها و باورها، سروده‌های حین انجام کار و شیوه و اجرای نحوه نقوش حین بافت و بخشی از روایت‌های قومی و قبیله‌ای که علاوه در قالب سنت شفاهی نیز می‌تواند روایت شود بر تاریخ شفاهی نیز دلالت دارد. انتقال سینه به سینه سبک و نقش بافته‌ها در هم‌آمیزی با نگرش‌های حاکم بر زمانه بافنده و بیان صورتی از اسطوره‌ها در خاطرات فردی و روایت‌های دوره ای که در طول عمر فرد مصاحبه شونده بیان می‌شوند سنت شفاهی است در حالی که همین مقوله در روند تاریخ دستبافته‌های ایرانی بدون محدودیت زمانی و مکانی میراث تاریخ شفاهی فرش مناطق متعدد است.

کارکردهای سنت شفاهی در فرش

سنت شفاهی آسان‌ترین شیوه‌ای بود که اجتماعات مختلف در همه دوران‌های گذشته نیازمند آن بوده و آن را به منزله ابزاری مؤثر برای آموزش، توجیه و ابراز تمایزها در هویت‌یابی به کار بسته‌اند. ... حکایتی از نسل‌های گذشته در قالب واژه‌ها است که سینه به سینه در جریان است تا توزیع معرفت گذشته میان نسل‌ها را به سامان رساند و نهادینه نماید (نورایی، ۱۳۸۲: ۶۷ و ۶۸) در سنت شفاهی تجربه و فرهنگ نسل‌ها جای دارد. سنت شفاهی بستر و محمل حفظ و انتقال عناصر فرهنگی فرش از جمله تاریخ را دربردارد. تاریخ شفاهی متکی بر مشاهده ناظر است و با بازه زمانی پیش‌تر ارتباطی ندارد. سنت شفاهی جایگاه مهمی برای اسطوره‌پردازی است. سنت شفاهی حاصل انباشت تجارب گذشتگان است و با واسطه به راوی منتقل شده است.

به تبع رونق بافته‌ها بر اساس در دسترسی به مواد اولیه در مناطق روستایی و عشایری و اهمیت این رشته به عنوان شاخه‌ای از هویت و فرهنگ ایرانی علاوه بر قرارگیری بخشی از تفکر جمعی که در قالب نمادین اجرا شده است، دستبافته‌ها صورت مکتوبی از تاریخ را در خود نهفته دارد. دستاورد بیان روایی گذشته این هنر که در زمان حال بیان می‌شود در چارچوب سنت شفاهی قابل ثبت است.

دستبافته‌های داری ایران دارای تنوع بسیاری اند. "نام‌های متعددی دارند و در اقلیم‌های متفاوت بافته‌های متفاوتی وجود دارد که ناشی از توان منطقه و استعداد های بومی آن مکان است. از این روی در میان بافته‌های تخت فرآورده‌هایی به نام های گلیم، سوماک، ورنی، مسند، رندی، سوزنی، شورکی، گل برجسته، شیریکی پیچ، جاجیم، زیلو و در بین بافته‌های پرزدار مهمترین تولید به نام قالی ست و با توجه به اندازه های متفاوت و نوع کاربرد نام‌هایی مانند قالیچه، پرده ای، دورو و پادری و ... می‌گیرد" (حشمتی رضوی، ۱۳۸۷، ۱۰-۷). همین مهم که با نام‌ها و تعدد روش‌های بافت و ایجاد نقوش متنوع سرو کار داریم زمینه‌ای برای درک سنت شفاهی این آثار است و فرآیندی است که بر تولید پیام‌های شفاهی دلالت دارد. بدین معنا که این تولیدات براساس پیام‌های شفاهی قبلی ایجاد یا دستکم مربوط و مرجوع به آفرینش قدیمی تری هستند.

در گذشته نیروی انسانی فعال در حوزه دستبافته‌ها به دلیل اینکه درصد کمی از افراد جامعه باسواد بوده‌اند به معنای شکل‌گیری هنرمندانه آثار و غنی نبودن فرهنگ زیستی و نگرشی این طبقه از فعالان حوزه هنر بومی نیست. انتقال دانش به واسطه راویان توانمند که با تغییر راوی در دوره‌های متعدد و تغییر ویژگی‌های ساختاری از نظر فرهنگی و اجتماعی بر یک جامعه حاکم می‌شد، و نیز تغییراتی که در ارتباط با روند سیر نزولی بافته‌های بومی صورت گرفت و تعریف نشدن جایگاه فرهنگی مشخص در پرداختن کمتر به سنت و فرهنگ شفاهی و شاید به دلیل فراگیر بودن دانش فرش به عنوان منبعی از ریشه‌های بنیادی تاریخی و فرهنگی است یعنی محوریت در مقوله سنت شفاهی فرش در بازآفرینی است و آنچه رخ می‌دهد خارج از تعبیر سنت شفاهی و یا تاریخ

شفاهی با ماهیت خلقت هنرمندانه و بدون دقت به ثبت و ضبط آن صورت می گرفته است و غنی ترین مرجع سنت شفاهی را می توان در انتقال دانش دستبافته ها، هنرهای بومی و سبک آموزش استاد به شاگرد دانست که ماهیت بازآفرینی را معنادار می نماید.

حفظ سینه به سینه میراث بافته ها در مجموعه ای از تفکر اجتماعی فرهنگ فرش بافی ماهیت تاریخ فرش را غنی تر نگه می دارد. در واقع سنت شفاهی برای انتقال دیگر آگاهی ها در طول نسل ها بدون ثبت و نگارش بوده است. از این رو رویکرد شفاهی بر نگارندگان بعدتر تاریخ فرش که دانسته ها و یافته ها را در قالبی مکتوب درآوردند تاثیر داشته است.

در سنت و فرهنگ شفاهی به دلیل گردش درونی اطلاعات و میراث فکری؛ زبان گفتاری، لهجه، الفاظ و کلام خاصی نیز حفظ می شود، که از این منظر در ارتباط با تاریخ قرار دارد. سنت شفاهی شامل فرهنگ، میراث فکری و علمی یک قوم و گروه است بدون تعریف شدن طبقات اجتماعی و متعلق به همه افراد یک جامعه است.

مدیریت فرهنگی و سنت شفاهی فرش

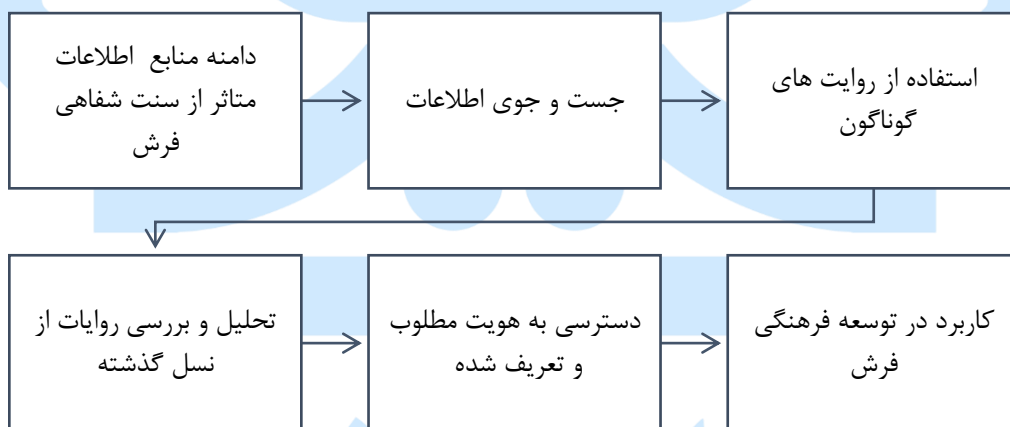
اهمیت و دلایل مدیریت فرهنگی شامل موارد مانند: توسعه و ارتقاء شناسایی اهمیت هنر و فرهنگ، افزایش سرمایه گذاری در صنایع فرهنگی و گردشگری فرهنگی، پروژه های فرهنگی عمده و گسترش آنها است. الزامات مدیریت فرهنگی در انتخاب های خاص با سه هدف مدیریت عمومی و مدیریت منابع انسانی، کاربرد تکنولوژی اطلاعات در سازمان فرهنگی (IT) و انتخاب های عام با مطالعات ساختاری، مطالعات فرهنگی دیداری (بصری) ارتباط دارد (صالحی امیری وهمکاران، ۱۳۸۹: ۴۴).

بررسی سنت های شفاهی با این نام و بر اساس اولویت ها می تواند بسیری برای برنامه ریزی و استفاده در تبلیغات فرش دستباف متفاوت با رقبای فرش ایران باشد دارای اهمیت است. بسیاری از فعالان فرش معتقدند توسعه بازارهای رقابتی توسط تولیدکنندگان فرش در آسیا بر منبای هویت فرش ایران بوده که بسیاری از فرصت های اقتصادی را در دسترس داشته باشند که گاه برای فرش ایرانی مقدور نیست. تاکید بر بر یک مدیریت علمی در راستای برنامه ریزی، پوشش محققان علاقه مند و کاربردی نمودن دانش کهن به علت در دسترس بودن منابع انسانی راویان در این سرزمین نکته ای است که در تقابل با دنیای رقابتی می تواند توانمندی و دانش عمیق فرش دستباف را نمایان نماید. بر این اساس مدیریتی فرهنگی در شناخت و اهمیت سنت های شفاهی فرش دستباف از راهبردهای تدوین شده می تواند استفاده نماید. " ۱- پذیرش، یعنی قبول صریح شکافهای فرهنگی و کارکردن روی آنها؛ ۲. مداخله ساختاری، یعنی تغییر شکل و قالب تیم های فرهنگی؛ ۳. مداخله مدیریتی، یعنی تعیین هنجارها در مراحل اولیه، با وارد کردن یک تصمیم و راهبرد عالی؛ ۴- خروج با حذف یک عضو از تیم فرهنگی، هنگامی که سایر گزینه ها با شکست روبه می شوند (برت و دیگران، ۱۳۸۵: ۶۰). در این راهبرد تعریف شده آغازین مرحله وجود دارد و این همان شکافی است که با توجه به مطالعات صورت گرفته

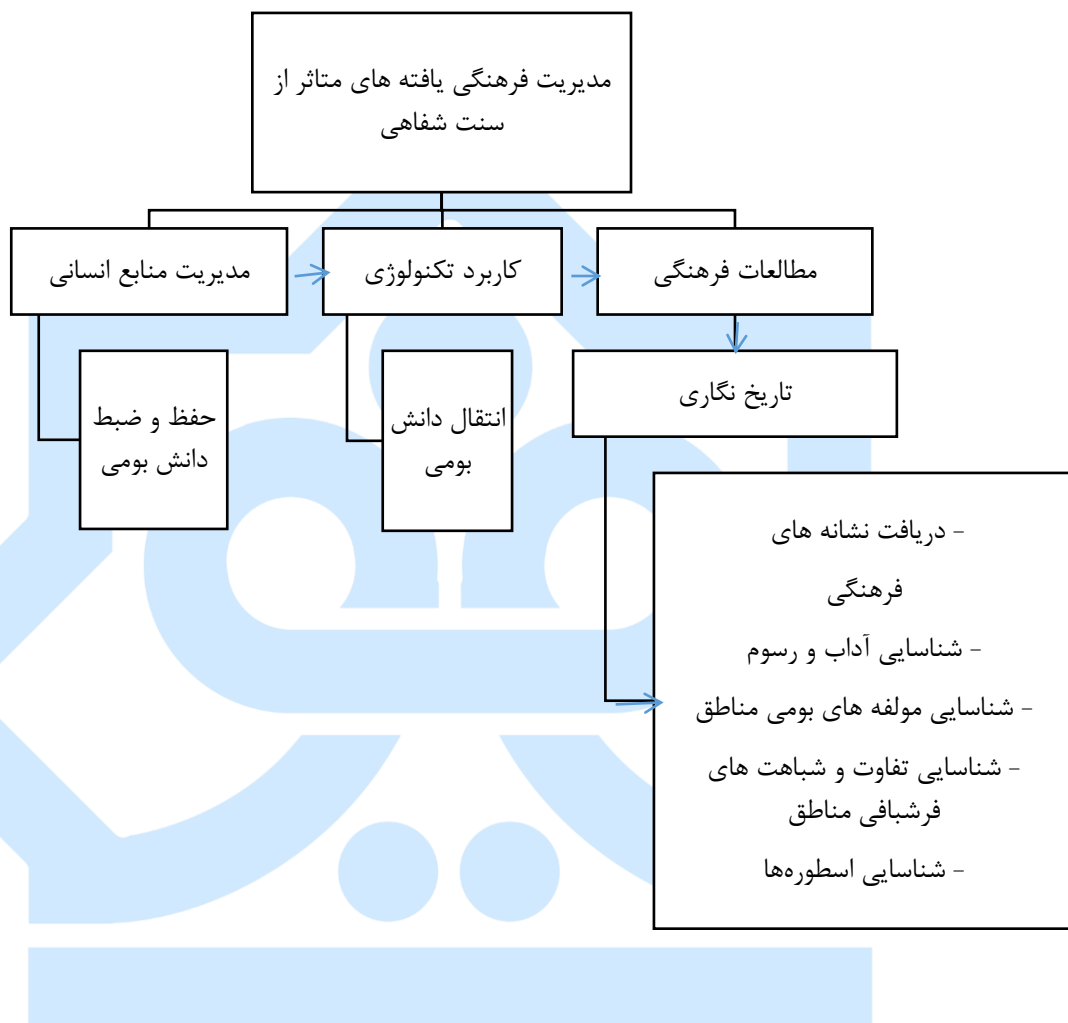
هنوز مدون نشده است. جمع‌آوری سنت‌های شفاهی مناطق فرش تکرار روایت زنده‌ای است که با سرعت فزاینده خدمات در دنیای امروز یکی از صورت‌های فرهنگی است که با تاکید بر حیطه هنر و بیان فردیت و شیوه کار که متکی بر روایت جاری زندگی افراد فعال در این زمینه از بافنده، رنگرز، رفوگر تا تولیدکنندگان بوده و در توسعه دانش فرهنگی و بازخوانی معیارهای بومی مناطق، ایلات و اجتماعاتی که از نظر فرشبافی دارای مشخصه‌های مشترک می‌باشند میانی برای هویت فرهنگ و تداوم حیات آن است.

برنامه‌ریزی و شناسایی مشاوران فرهنگی، تعیین واحد آموزش، تعیین کانون‌های فرهنگی محققان این حوزه در راستای سوق پژوهش‌های ناطق متعدد فرشبافی و یا ایلات و عشایر با تاکید بر سنت شفاهی دستبافته‌ها علاوه بر جمع‌آوری دانش بومی، مجالی برای مستندنگاری راویان و روایت‌هایی باشد که در دنیای هنر مدرن تا مکاتب نقد قابلیت بحث و استفاده فرهنگی و هنری دارد. در نمودار ۱ به ارتباط سنت شفاهی با مدیریت فرهنگی اشاره دارد.

نمودار ۱ روند اطلاعات سنت شفاهی در توسعه فرهنگی فرش



با در نظر داشتن هوش فرهنگی، مهارت‌های فرهنگی، کسب و کار فرهنگی، فضا سازی فرهنگی در معرفی ارتباط هویت و فرهنگ فرشبافی بازتولید فرهنگ شفاهی مناطق اتفاق معاصر خواهد بود که برای آیندگان منبع تاریخی لحاظ می‌شود و کارکردها و ساختارهای هریک از نظام‌های فرعی مبتنی بر ارزش‌ها و باورهای نظام فرهنگی، بازبینی و بازسازی می‌شود. در نمودار ۲ به بازخوانی یافته‌های سنت شفاهی و مدیریت فرهنگی اشاره دارد.



نتیجه گیری

امروزه سرمایه گذاری بعد فرهنگ بیش از مبانی اقتصادی و توسعه پایدار مدنظر جوامع گوناگون است. با توجه به جایگاه رقابتی فرش دستباف که در بسیاری از موارد با محدودیت مواجه است، از دیدگاه توسعه تجاری و فرهنگی فرش دستباف نیازمند ارزیابی صورت های نوینی از دانش بومی است که در همسویی با نیازهای معاصر بتواند معرف هویت و بقای فرهنگ بومی باشد. تاکید بر تنوع فرهنگی یکی از بسترهای تولیدات جهانی است و این مهم یکی از قابلیت های موجود فرش دستباف است که به تنوع مناطق و افراد، راویان و باورها گستردگی لازم را دارد. در واقع مطالعه در این زمینه تبدیل منابع ناملموس به منابع قابل ثبت منجر می شود که از مقوله های دانشی و بنیادی با تاکید بر حوزه نظارتی مدیریت فرهنگی است. تاکید بر سویه های فرهنگی و کارکردی سنت شفاهی فرش دستباف بر اساس داشته های موجود و در دسترس، مستندنگاری روایت های فرش و قابلیت های این هنر را در بررسی های علمی مفصل تر باز خواهد نمود.

اسناد و مدارکی از گفته‌های افراد با تجربه به دست می‌آید را در آینده می‌توان به عنوان بخشی از هویت و منابع باشد که بعدها به آنها استناد نمود. در حقیقت دانسته‌های سنت شفاهی زمینه‌ای برای دریافت مبانی تاریخی بومی است که با در نظر داشتن هویت مردمی و توسعه تکنولوژی در راستای جمع‌بندی کلی کارایی یافته‌های مورد نظر در دسته‌بندی و دریافت ویژگی‌ها متنوع مناطق گوناگون خواهد بود.

منابع

- ابوالحسن تنهایی، حسین، (۱۳۷۷). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. مرن‌دیز. تهران.
- ابوالحسنی ترقی، مهدی. (۱۳۹۰). نقد و بررسی جایگاه تاریخ شفاهی در تاریخ معاصر ایران (۱۳۵۸-۱۳۸۵/۱۹۸۰-۲۰۰۴)، پایان‌نامه ی دکتری رشته تاریخ، دانشگاه اصفهان.
- آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۸۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی. سروش. تهران.
- برت، جین و دیگران، (۱۳۸۵). مدیریت تنوع فرهنگی. ترجمه مریم شریفیان ثانی، گزیده مدیریت، شماره ۶۶، صص ۴۳-۵۲
- جعفری دهقی، محمود، (۱۳۸۲). بازشناسی منابع و خد تاریخ ایران باستان، از ورود آریاییها تا سقوط امپراتوری ساسانی. سمت. تهران.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل، (۱۳۸۵). تاریخ شفاهی در ایران. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. مشهد.
- حشمتی رضوی، فضل‌الله (۱۳۸۷)، تاریخ فرش: سیر تحول و تطور فرش‌بافی ایران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). تهران.
- صالحی امیری و همکاران، (۱۳۸۹). مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی. نشر پژوهشکده تحقیقات استراتژیک. تهران.
- فراهانی، فاطمه، (۱۳۸۹). توسعه فرهنگی و رسانه ملی (طراحی مدل اندازه‌گیری تأثیر رسانه ملی در توسعه فرهنگی). نشر معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی. تهران.
- کوئن، بروس، (۱۳۷۵). درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی، توتیا. تهران.
- کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه، و فرهنگ، ج ۲، ترجمه حسن چاوشیان. طرح نو. تهران.
- استنفورد، مایکل. (۱۳۸۴). درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه مسعود صادقی. دانشگاه امام صادق (ع) و سمت. تهران.

- نورائی، مرتضی، (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ شفاهی، گنجینه اسناد، سال سیزدهم، شماره ۴۹ و ۵۰، صص ۶۶-۷۰
- نورائی، مرتضی؛ دهقان نیری، لقمان؛ ترقی ابوالحسنی، مهدی، (۱۳۸۹)، مقایسه تحلیلی سنت شفاهی با تاریخ شفاهی. پژوهش های تاریخی، شماره ۴. صص ۳۵-۵۲

- Culture Statistics Program, (۲۰۰۱), *Canadian framework for cultural statistics*, culture, tourism and center for Education Statistics
- Thompson, Paul. (۱۹۸۸), *The Voice of the Past, Oral History*, New Edition, OxfordNew York, OxfordUniversity Press.
- Rosenthal, Franz. , (۱۹۶۸), *A History of Muslem Historiography*, second revised edition, Brill, leiden.

همایش ملی فرش
و نیازهای معاصر
آبان ۹۷